



۲۰۱۸/۰۵/۰۴

م. اسحاق نگارگر

## کجا کاری کند عاقل که بار آرد پشیمانی!

عارف به دلِ ذره جهان می بیند      آنجا مه و مهر و کهکشان می بیند  
کوری بنگر که چشم دانشور عصر      دست و سر گشتگان در آن می بیند

(استاد خلیلی)



کجا کاری کند عاقل که بار آرد پشیمانی!

آری همین انسان را میگویم! انسان به خاطر اندک عقلی که خدا(ج) برایش داده است خویشتن را اشرف مخلوقات میداند و بسیار هم به این عقلی اندک مینازد اما تا امروز دیده نشده است که جانوری غیر از انسان به دست خود قیر خود را بگند و یا کمر به قتلِ همنوعان خود ببندد و با این خیال خام دل خوش که خدای مهربان به خاطر قتلِ همنوعانش به او پاداش میدهد. این روزها قرائن حکایت از آن دارد که دکتاتور کوریای شمالی جناب کم جان اون بر خود خواهی های اسلاف خود میخواهد غلبه کند و خویشتن را از مصیبت سلاح های اتمی که نه تنها روده های جهان را بلکه حتی روده های خودش را نیز بر خار تشویش و اضطراب افکنده است نجات دهد و از این شیر چرب بگذرد.

در جریان جنگ دوم جهانی بود که امریکا به نیروی اتمی دست یافت و نخستین بمهای خود را بر هیروشیما و ناگاساکی افکند و جنگ دوم را به سود متحدین پایان داد. این که وجدان اجتماعی امریکا تا چه حد از این جنایت تاریخی نارام است به جای خود بماند اما به زودی دوران جنگ سرد فراز آمد و رقابت های اتمی میان دو سردمدار جنگ سرد یعنی امریکا و اتحاد شوروی آن روزگار که هوای به زباله دان افگندن رقیبان خود را داشت ولی در چاهی که برای دیگران کنده بود خود فرو افتاد.

جنگ سرد دو نتیجه بسیار ناخوشایند داشت.

نخست اتحاد شوروی پنداشت که اگر انحصار نیروی اتمی در دست امریکا بماند؛ امریکا را فرمانفرمای بی رقیب جهان می سازد و شوروی خود نیز مجبور میشود که خطر امریکا را جدی بگیرد به همین دلیل چین را که در اوج

هذیان های انقلابی امریکا را «ببرکاغذی» میخواند میگفت که این «ببر کاغذی» دندان اتومی دارد. شوروی هم میخواست که دندان خود را اتومی بسازد تا «تناسبِ قوا را به نفع صلح و سوسیالیسم» تغییر بدهد. شوروی عواید خالص ملی را به جای اینکه وقف مردم خود می کرد و سطح زندگانی مردم را بالا می بُرد شب و روز را یکی کرد تا از رقیب عقب نماند و صاحب سلاح های اتومی شود و این حالت مقارن همان روزگار بود که چین به اصطلاح خودش «مائوتسه تون اندیشه» یعنی «تئوری محاصره شهرها از طریق دهات» را «مرحله تکاملی مارکسیزم – لنینیزم» عنوان کرده بود و برضد «روزیونیزم خروسچفی» تفسیر نگاری میکرد و شوروی هم چین را لقب «شوونیزم عظمت طلبانه» بخشیده بود بنا بر این چین که در آن روزگار میان دو سنگ آسیا افتاده بود یعنی یک سو «ببرکاغذی امپریالیزم امریکا» بود که دهان باز کرده دندان اتومی خود را برایش نشان میداد و سوی دیگر نیز «روزیونیزم خروسچفی» بود که با احزاب دست نشاندۀ زیر فرمان خود «مائوتسه تون اندیشه» را تلک و ترازو میکرد. چین نیز «برای دفاع از خلق های انقلابی جهان» بود که می خواست «شانناژ اتومی امپریالیزم امریکا» و «روزیونیزم خروسچفی» را بشکند و صاحب نیروی اتومی شود.

این یکی نیز در دوران مائوتسه تون عواید ملی را وقف انکشاف نیروی اتومی کرد. آزمایش های اتومی چین امریکا و شوروی را به هم نزدیک تر ساخت. مائوتسه تون که از نزدیکی ببر امپریالیسم و خرس روزیونیزم سخت به تشویش افتاده بود نکسن را دعوت کرد و برایش فهماند که دوستی با چین برایش خیر فراوان دارد. دیگر نه منافع «خلق های انقلابی جهان» مطرح بود و نه «منافع صلح و سوسیالیزم» مطرح بود و نه هم «نهضت دموکراسی» مطرح بود سه رقیب عمده با قوای نسبتاً مساوی در برابر هم ایستاده بودند و دیگران در سایه این سه تا باید قدم میزدند. آری در جهان عملاً سه بلاک عرض وجود کرد امریکا و متحدین غربی؛ جاپان و اسرائیل (کشورهای مبتنی بر اصل انتخابات و دموکراسی) کشورهای که در آن صاحب منصبان به وسیله کودتا قدرت را غصب کرده بودند و شوروی آنان را عناصری می خوان دکه از «راه رشد غیر سرمایه داری و اقتصاد دولتی» به سوی سوسیالیزم می رفتند و جنبش های مسلحانه که چین لاف هوا خواهی شان را میزد. طبعاً در این بلاک بازی ها سلاح اتومی نیز در دست این سه کشور نماند. هند که بخاطر پاکستان احساس امنیت نمیکرد بکمک شوروی سلاح اتومی را انکشاف داد. پاکستان نیز با استفاده از رقابت چین و شوروی به دامن چین چسبید. عراق صدام حسین هست و بود خود را در قمار سلاح اتومی باخت و اینک ایران نیز در شرف باختن است.

تجربه تلخ چرنوبیل در برابر اوکراین افتاده است و مردم جهان پوره نمی دانند که ملیون ها بیلر ضایعات اتومی در کجاها دفن گردیده است. آری این اشرف مخلوقات نه تنها امروز با سلاهای اتومی قبر خود را کنده است بلکه برای نسل های آینده خود نیز خار کاشته است تا این پیکر زهرآلوده زمین را مایه درد سر آنان نیز بگرداند.

اگرمیلیارد ها دالر سرمایه ای را که دولت ها در راه رقابت های نا سالم اتومی مصرف کردند در راه انکشاف معارف و نجات انسان از مرض های تعصب و کج اندیشی؛ در راه سیر کردن شکم های گرسنه؛ در ایجاد تفریحگاه های سالم برای کودکان بیچاره جهان و بالاخره در راه انکشاف قدرت علمی و تسخیر فضا خرج می کردند انسان می توانست بر ایجاد تمدن انسانی خود بنازد اما با جنگ و گشتاری که امروز در جهان می بینیم انسان خواهی نخواهی به یاد مرحوم میرزاده عشقی می افتد که گفته بود:

به پندارِ دانای مغرب زمین  
پدید آورِ فکرِ نو داروین  
طبیعت ز میمون دُمی کم نمود  
سپس ناسزا نامش آدم نمود

اگر آدمیت بدین بی دُمیست      دُمی کو مرا عار از آدمیست

نگارگرسوم ماه می ۲۰۱۸ بیرمنگهم

